

اتحاد و اختلاف افق و اعتبار شرعی آن از منظر فریقین

□ غلام محمد ضیایی *

چکیده

بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی، چه واجب و چه مستحب، بستگی به رؤیت هلال ماه و ثبوت آغاز و پایان آن دارد. رؤیت هلال ماه، از راه های ثبوت آغاز ماه، بلکه مهمترین و ساده ترین راه است. مسأله رؤیت هلال، در حوزه تفکر اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. فقها، مسائل و فروعی را بر آن مترتب می باشد. فقها حکم نموده اند که مسلمانان، با دیدن هلال ماه رمضان روزه بگیرند و چون هلال شوال را دیدند، عید نموده و نماز عید به پا بدارند.

در این که دایره و قلمرو حجیت رؤیت هلال ماه محدود و محصور به افق خودش است یا گستره حجیت آن از مرزهای افق جغرافیای رؤیت شده فراتر رفته و برای تمام مسلمانان جهان حجیت می یابد؟ در این مقاله به بررسی قلمرو و محدوده حجیت رؤیت هلال پرداخته، معیارهای اختلاف و اتحاد افق و نیز معیارهای نزدیکی و دوری شهرها، تبیین گشته و ادله و براهین دو طرف بحث شده است. براینکه این بررسی آن گشت که در فقه اهل بیت اختلاف افق و محدود بودن قلمرو حجیت رؤیت هلال بیشتر مورد پذیرش فقها قرار گرفته است، هرچند برخی از فقهای شیعه معتقد به اتحاد افق می باشند، در نقطه مقابل در فقه حنفی اتحاد افق و محدود نبودن قلمرو حجیت رؤیت هلال بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است، هرچند برخی از فقهای حنفی اختلاف افق برگزیده اند.

واژه های کلیدی: اتحاد افق، اختلاف افق، ثبوت رؤیت هلال، تعمیم و عدم تعمیم ثبوت هلال

* دانشجوی دکتری فقه مقارن مجتمع عالی فقه (حجتیه) جامعة المصطفی علیه السلام العالمية.

مقدمه

سیر طبیعی ماه و پیدایش شکل‌های گوناگون در جرم آن، سبب تقسیم زمان به برهه‌های کوچک و بزرگ می‌گردد. رؤیت هلال ماه، از راههای ثبوت آغاز ماه، بلکه مهمترین و طبیعی‌ترین و ساده‌ترین راه است. اما در این که حجیت رؤیت هلال ماه از جهت مکانی تا کجا امتداد دارد. یک مسأله اختلاف در فقه اهل بیت و فقه حنفی است، این اختلاف بیشتر بر محور اختلاف و اتحاد افق چرخیده و نیز در این که جهت شرقی و غربی در امتداد حجیت رؤیت هلال ماه اعتبار دارد نه در فقه اهل بیت محل خلاف است؛ قبل از وارد شدن به اصل بحث لازم است واژه افق تعریف و مقصود از اتحاد و اختلاف افق روشن گردد

افق

افق در کتب لغت به معانی متعددی آمده است ولی همه آنها معانی نزدیک به هم هستند. معانی مانند کرانه، ناحیه، نیم دایره‌ای که در امتداد آن، چشم کره زمین را می‌بیند. (دهخدا، ۱۳۳۸ش: ۳۱۲۷/۷؛ معین، ۱۳۸۵ش: ۳۱۸/۱)

اتحاد و اختلاف افق

منظور از «اتحاد افق» و شهرهای «هم افق»، شهرهایی است که در یک طول جغرافیایی و در خط واحدی واقع شده‌اند، و یا فاصله آنها در عرض جغرافیایی کم باشد، به نحوی که اگر در شهری، اول ماه دیده شود، در شهر دوم - اگر مانعی مانند ابر نباشد - نیز دیده می‌شود؛ بنابراین اگر دو شهر در یک خط طولی باشند (مانند قم و تهران)، گفته می‌شود آنها در افق، متحد هستند. (خمینی، ۱۴۲۴ق، ۹۶۲/۱).

مقصود از «اختلاف افق» این ست که، کره ماه در حرکت خود به دور زمین «تقریباً» در هر ماه یک دوره کامل را طی می‌کند و بر اثر همین گردش ماه به دور زمین «هلال، بدر، تربیع و محاق» صورت می‌گیرد؛ زیرا همیشه نصف کره ماه که در مقابل خورشید قرار دارد روشن است، منتهی طرز قرار گرفتن ماه و خورشید و زمین (بر اثر گردش ماهانه کره ماه) گاهی چنان است که ما انسان‌ها تمام نیم کره روشن ماه را می‌بینیم و در آن وقت «بدر کامل» است و گاهی طوری

می‌شود که نیمی از آن به طرف ماست و آن هنگام «تربیع» است و به همین ترتیب سایر حالاتی که برای ماه دیده می‌شود به سبب اختلاف نحوه قرار گرفتن «ماه و زمین و خورشید» در مدار حرکت است.

به این ترتیب در نقاط غربی به دلیل کروی بودن زمین، شرایط رؤیت زودتر صورت گرفته و هلال زودتر رؤیت می‌شود و در نقاط شرقی شرایط رؤیت دیرتر صورت گرفته و به همین دلیل رؤیت دیر صورت می‌گیرد. (مکارم شیرازی - سبحانی، ۱۳۸۱ش: ۴۴۶)

حال با روشن شدن مقصود از افق اختلاف و اتحاد آن به اصل بحث بازگشته و به بررسی اتحاد و اختلاف افق و پیوند آن با رؤیت هلال از دیدگاه فقه فریقین خواهیم پرداخت. در همین راستا بحث در دو بخش مجزا تبیین خواهد گشت.

اتحاد و اختلاف افق و ارتباط آن با دیدن هلال ماه

الف) نظرات فقهای شیعه

موضوع اتحاد و اختلاف افق، بیشتر در مسئله رؤیت هلال و اثبات اول ماه، مطرح می‌شود در این زمینه چهار در فقه اهل بیت چهار نظریه مطرح شده است که دو نظریه از شهرت بیشتری برخوردار است به هر صورت این نظریات عبارتند از:

۱. اعتبار رؤیت فقط برای همان شهر: برخی بر آنند که هرگاه در شهری از شهرهای اسلامی رؤیت هلال به اثبات برسد، تکلیفی برای مردم دیگر شهرها نیست. تنها بر عهده مردم همان شهر تکلیف بار می‌شود. این نظریه از ظاهر عبارات شیخ مفید در مقنعه قابل استفاده است. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹۶) البته از عبارات برخی از فقهای اهل سنت نیز چنین مطلبی قابل استفاده است. (عسقلانی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۳/۴)

۲. اعتبار رؤیت برای شهرهای همجوار: مشهور فقهای شیعه همانند شیخ طوسی، محقق حلی و... معتقدند اگر در شهری رؤیت هلال ثابت شود، برای شهرهای همجوار آغاز ماه اثبات می‌شود و برای آنان رمضان و عید اثبات می‌گردد.

۳. اعتبار رؤیت برای تمام جهان: برخی از فقهای شیعه معتقدند اگر هلال ماه در شهری دیده و ثابت گردد برای دیگر شهرها چه دور و چه نزدیک حجیت دارد. و رمضان و عید اثبات می‌گردد.

۴. اعتبار رؤیت برای شهرهای هم‌جوار و شهرهای که در جهت غرب منطقه رؤیت شده قرار

دارند: برخی از فقها می‌گویند اگر در جایی هلال ماه رؤیت شد برای شهرهای هم‌جوار و نیز شهرهای که در جهت غربی منطقه‌ی که ماه رؤیت شده است قرار دارند رمضان و عید اثبات می‌شود، اما شهرهای که در جهت شرقی قرار داشته باشد و هم‌جوار نیز نباشند با این رؤیت اثبات اول ماه ممکن نیست.

نظریه اول در به دلایل ذیل قول جدای از نظریه دوم که نظریه مشهور فقهای شیعه است، نمی‌باشد

شیخ مفید تصریح به چنین قولی ندارد؛

شاید صدوق اعتبار برای شهر محل رؤیت را تنها از باب قدر متیقن بیان نموده باشد بدون اینکه ناظر نافی حجیت آن در برای شهرهای هم‌جوار باشد؛

چنانکه برخی از اهل لغت نیز تصریح نموده‌اند تعبیر «اهل مصر» همان گونه که برای اهالی شهری اطلاق می‌شود برای ناحیه و منطقه نیز اطلاق می‌شود و کاربرد دارد (فراهِیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۳/۷؛ معین، ۱۳۸۵ش: ۲۲۵۹/۳) بنابر همین کاربرد عبارت شیخ مفید شامل شهرهای هم‌جوار نیز می‌گردد

بنابر این دیدگاه شیخ مفید موافق با دیدگاه مشهور و در مجموع سه نظریه در ارتباط با محدوده حجیت رؤیت هلال باقی خواهد ماند.

نظریه چهارم که در میان فقهای متأخر مطرح شده است (آملی، ۱۳۸۰ق: ۳۹۶/۸؛ حکیم، ۱۳۹۰ق: ۴۷۰/۸)، چون مبتنی بر علم به حرکت از ماه از جهت شرق به غرب است و تنها برای شهرهای که در همان خط امتدادی قرار دارد می‌باشد می‌توان گفت خارج از موضوع بحث است. بنابراین محور اختلاف بر چرخه‌ای اتحاد و اختلاف افق قرار گرفته است؛ لذا در ادامه تنها به بررسی همین دو نظریه خواهیم پرداخت.

۱- اشتراط اتحاد افق

اکثر فقها می‌گویند: اگر در شهری، اول ماه ثابت شود برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر این‌که آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بداند افق آنها یکی است. (خمینی، همان: ۹۶۲/۱) و برای اثبات نظریه، به آیات و روایات استدلال نموده اند:

الف) آیات

۱- در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» ای پیامبر از تو سؤال

می‌کنند از اهلّه و اول ماه‌ها، بگو آن‌ها تعیین وقت برای مردم و اعمال حج است.» (بقره: ۱۸۹)

خداوند به کسانی که درباره تغییرات ماه از هلال تا بدر، پرسیده‌اند پاسخ می‌دهد؛ یعنی سؤال این است که چرا ماه همیشه به صورت بدر و پرنور خلق نشده که مردم از آن استفاده نمایند؟ خداوند در جواب می‌فرماید: این حالات مختلف که برای ماه به وجود می‌آید، برای دانستن اوقات در بین مردم و اعمال حج است.

توضیح مطلب اینکه با تغییر شکل‌های مختلف ماه (هلال و بدر) مردم بدون هیچ مشکلی می‌توانند قراردادهای اجتماعی و اعمال عبادی خود را تعیین کنند. مثلاً مهلت ادای دین خود را پانزدهم ماه فلان و یا پایان زمان اجاره را اول ماه فلان قرار دهند و سپس به وسیله هلال و بدر ماه، وقت روشن خواهد شد. همین طور اوقات حج، ماه‌های حرام، روز عرفه و هنگام عید که با اهلّه روشن می‌شود.

۲- همین معنی در آیه دیگر با بیانی دیگر آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ؛ اَوْسَتْ (خدا) کسی که آفتاب را درخشان و ماه را تابان قرار داد و برای آن منازلی مقدّر کرد تا عدد سال و حساب را بدانید.» (یونس: ۵)

بدیهی است که آیه به روشنی دلالت می‌کند که مردم به تعیین وقت نیاز دارند، لذا خداوند ماه را به کیفیت خاصی خلق کرده که با آن سال و ماه و حساب وقت روشن شود.

پس باید انسان ماه را درک کند و این درک تعیین‌کننده وقت است، نه اینکه مجرد خروج ماه از محاق در یک محل برای دیگر مکان‌ها، تعیین‌کننده وقت باشد. در آیات دیگری هم به این مطلب اشاره شده است که به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

۳- آیه «وَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ؛ هر کس از شما ماه رمضان را درک کند، پس آن ماه را روزه بگیرد.» (بقره: ۱۸۵) مراد از «شَهِدَ» در آیه به معنی حضور به همراه اطلاع یافتن به جهت حضور است و شهادت «شَهِدَ» محقق می‌شود به اینکه به ماه رمضان برسد و از آن اطلاع داشته باشد. از این گفتار معلوم می‌شود که شهادت (درک) محقق نمی‌شود، مگر اینکه ماه قابل رؤیت باشد. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۲/۲۱)

بنابر این رؤیت در شهر غربی که بر اساس فرض، هلال تازه در آن متولد شده، اول ماه را در شهر شرقی ثابت نمی‌کند. چون در آن شهر هنوز ماه متولد نشده و قابل درک و رؤیت نبوده است و اگر بگوییم «شَهِدَ» را در آیه به معنای رؤیت است که بعید نیست چنین باشد، باز هم دلالت می‌کند بر اینکه باید ماه در محل، قابل رؤیت باشد و نتیجه در هر دو وجه (شرط بودن اتحاد افق)

است. همین را هم بسیاری از مفسران تقویت کرده اند.

طبرسی، مراد از (شهد منکم الشهر) را حضور در شهر در هنگام ماه رمضان دانسته و این معنی را موافق با روایت شمرده است. نظیر این سخن را شیخ طوسی در (تبیان) و علامه طباطبائی در (المیزان) نیز آورده اند. گرچه شیخ صرفاً به بیان احتمالات اکتفا کرده و خود به صراحت نظر نداده است. (طباطبائی، ۱۳۶۳ ش: ۲/۲) دیگر این که بر فرض که (شهد الشهر) وقتی صدق کند که هلال ماه در آن محل و یا شهرهای نزدیک به آن دیده شود ولی باز هم نمی تواند مانع از ثبوت ماه در شهرهای دیگر با بینه و مانند آن باشد و بالأخره بر مدعای قائلان به عدم تعمیم دلالتی ندارد. (راوندی، ۱۴۹۷ ق: ۱/۱۷۸)

ب) روایات

روایاتی که بر عدم تعمیم حکم ثبوت هلال ماه به شهرهای دور مورد استناد واقع شده اند چند دسته اند:

الف) روایات رؤیت هلال: ماه رمضان با رؤیت هلال ماه آغاز می گردد و با رؤیت هلال نیز پایان می رسد، این معنی در بسیاری از روایات تصریح شده است از جمله: « صم للرؤية و أفطر للرؤية ». (عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۷/۱۸۶) « صوموا للرؤية وأفطروا للرؤية ». (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق: ۷/۱۸۳) « اذا رأيتم الهلال فصوموا، و اذا رأيتموه فافطروا ». (حر عاملی، همان، ۱۸۲/۷) « ليس على اهل القبلة الا الرؤية وليس على المسلمين الا الرؤية ». (مجلسی، ۱۳۶۳ ش: ۱۶/۲۲۹) به این مضمون روایات دیگری نیز که در میان آنها روایات صحیح و موثق هم وجود دارد در کتابهای روایی نقل شده است (حر عاملی، همان)

مفاد همه این روایات اجمالاً آن است که ملاک در آغاز و انجام ماه رؤیت هلال است و امر به وجوب صوم معلق و مشروط به رؤیت هلال است. پس در افقی که ماه رؤیت نمی شود ماه رمضان به وقوع نپیوسته است. البته در ناحیه های نزدیک محل رؤیت هلال ماه می شود به ثبوت ماه اطمینان پیدا کرد ولی در شهرهای دوردست خیر. روایات منصرف از شهرهای دور از محل رؤیت است زیرا متبادر از تعلیق وجوب به رؤیت در این روایات رؤیت در شهر است.

محقق سبزواری می نویسد: « لأن المتبادر مما علق الوجوب بالرؤية فيها الرؤية في البلد او ما في حكمه و ان كان ظاهر اللفظ العموم ؛ متبادر از تعلیق وجوب به رؤیت هلال ماه در این روایات رؤیت در همان شهر و یا جایی که به حکم آن شهر است می باشد. گرچه ظاهر لفظ

عمومیت دارد.» (سبزواری، بی تا: ۵۳۱/۳)

به عبارت دیگر درست است که روایات (رؤیت) به طور مطلق رؤیت هلال ماه را علامت داخل شدن ماه رمضان و یا ماه شوال دانسته اند ولی اطلاق آنها از شهرهای دور از محل رؤیت انصراف دارند و شامل آنها نمی شود.

در دلالت این دلیل نیز خدشه کرده اند. زیرا دلیلی بر انصراف این روایات به محل رؤیت هلال ماه و شهرهای نزدیک و هم وفق آن، وجود ندارد. بسیاری از فقها بر این نکته تصریح کرده اند. (حکیم، همان: ۴۷۰/۸)

ب) روایات شهادت به رؤیت: از جمله راههای ثبوت ماه، شهادت به رؤیت هلال ماه است. از روایات فراوانی استفاده می شود (حر عاملی، همان: ۱۹۲/۷ و ۲۱۸) اگر بر اثر وجود ابر و یا گرد و غبار و مه غلیظ و ... رؤیت هلال میسر نگردد ولی دو شاهد عادل در قسمت دیگری از شهر و یا در بیرون شهر ماه را ببینند و بدان گواهی دهند ماه ثابت می شود.

امام صادق می فرماید: «و اذا كانت فی السماء علة قبلت شهادة رجلین یدخلان و یدخرجان من مصر؛ اگر در آسمان مانعی از رؤیت هلال باشد شهادت دو عادل که داخل شهر و یا خارج می شوند پذیرفته است.» (حر عاملی، همان: ۲۰۹/۷)

دستاوردهای علمی در زمینه نجوم و علوم فلکی و ستاره شناسی نیز نشان می دهد که با خروج اولین جزء طرف روشن ماه از تحت الشعاع، ماه قمری آغاز می گردد و در این حالت هلال ماه در قسمتهای زیادی از کره زمین و تا فاصله ای که اختلاف افق بین آنها بیش از نه ساعت نباشد و یا به گونه ای نباشد که شب و روز تفاوت کند، برای مردم قابل رؤیت است.

همین مضمون در روایت حبیب خزاعی نیز آمده است. گرچه ظاهر این روایت و امثال آن مطلق است و مقید به شهرهای نزدیک نیست، ولی با توجه به فضای صدور روایات که در آن زمان ورود و خروج افراد به شهر معمولاً از فاصله های نزدیک بوده و از شهرهای دور مبادله چنین اخباری بعید و غیر معمول و بلکه با وسائل آن روز در فاصله کم غیر مقدور بوده است منظور رؤیت هلال ماه در اطراف همان شهر و یا شهرهای نزدیک و هم وفق آن می باشد.

این روایت و امثال آن به نحو مطلق شهادت به رؤیت هلال را برای ثبوت ماه کافی می دانند. همچنین روایت صحیح منصور بن حازم و صحیح هشام بن حکم به طور مطلق امر به قضای روزه شده است در صورتی که دو نفر عادل شهادت دهند که ماه سی روزی بوده و یا روز قبل ماه را دیده اند ولی با توجه به قرائنی که به آنها اشاره کردیم اطلاق آنان منصرف به شهرهای نزدیک به

هم است.

اشکال: بر این روایت نیز خدشه وارد شده است زیرا دلیلی بر انصراف وجود ندارد و نمی‌توان به استناد به اموری همچون: کُندی مسافرت در آن روزگار و مسائل عرفی دیگری نظیر آن بدون در دست داشتن دلیلی روشن دست از اطلاق روایات برداشت بویژه در برخی روایات شهادت تصریح شده است: «یدخلان المصر ویخرجان». بر همین اساس بسیاری از فقهاء، دعوی انصراف را مردود دانسته‌اند. (حکیم، همان: ۴۷۰/۸؛ بحرانی، بی‌تا: ۲۶۵/۱۳).

مرحوم خویی می‌نویسد: «ادعای انصراف اطلاق روایات به اهل شهر باطل است. به ویژه در بعضی از آنها تصریح شده است که دو شاهی که به شهر داخل و یا از شهر خارج می‌شوند. طبعاً چنین شهادتی شامل شهادت از غیر آن شهر و شهرهای دیگر هم می‌شود چون مطلق است». (خویی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۰/۲).

ج) روایت کُریب:

این روایت در مجامع حدیثی ما نقل نشده است. ولی علامه در تذکره (حلی، همان: ۱۲۲/۶) برخی دیگر از فقهای امامیه (حلی، بی‌تا: ۱۵۲/۱؛ شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۷/۳۶) متعرض آن شده‌اند. ولی اشکالش این است که، خبر کُریب هم از نظر سند و هم از نظر دلالت نارسایی‌هایی دارد و نمی‌توان به آن استدلال کرد.

ج) قیاس رؤیت هلال به طلوع و غروب خورشید

طلوع و غروب خورشید در همه شهرها یکسان نیست. هر جایی افقی خاص خود را دارد. در گزاردن نمازهای یومیه و نیز اعمال و دعاهایی که در اوقات مختلف شبانه روز در زمانهای خاصی از هفته و ماه وارد شده است هر کسی باید مطابق با افق محل خویش انجام وظیفه کند: «اقم الصلوة للذلوک الشمس الی غسق اللیل». (اسراء: ۷۸)

واضح است که اقامه نماز از زوال خورشید تا تاریکی شب و یا خواندن نماز مستحبی غفیله در ساعت معینی در همه جا گزارده نمی‌شود بلکه هر منطقه از دیاری افقی دارد که ساکنان آن مناطق باید بدان پایبند باشند. (خمینی، همان: ۱۳۶/۱) رؤیت هلال ماه نیز این گونه است.

درست است که رؤیت هلال ماه رمضان علامت آغاز ماه و وجوب روزه است ولی همانند نمازهای یومیه رؤیت هلال برای هر کسی مطابق همان محلی خواهد بود که آن جا زندگی می‌کند و شهرهای هم افق و مجاور نیز چنین‌اند.

هلال ماه همچون نیمه روز و نیمه شب و طلوع و غروب خورشید به موازات گوناگونی شهرها دگرگون می شود پس رؤیت هلال نیز مختلف می گردد همان طور که شب چهارشنبه در طنجه اول رمضان است و در چین آخر شعبان. (کاشانی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۰/۷، پاورقی ابوالحسن شعرانی).

بیشتر فقهای شیعه و اهل سنت که نظر به عدم تعمیم رؤیت هلال ماه به شهرهای دوردست دارند، بیرون آمدن هلال ماه را از محاق به طلوع و غروب خورشید قیاس گرفته اند.

اشکال: قیاس اوقات نماز و امور عبادی که با طلوع و غروب خورشید انجام می گیرد به طلوع ماه و رؤیت هلال قیاس مع الفارق است. هیچ ارتباطی بین حرکت ماه و طلوع و غروب خورشید وجود ندارد. البته در سده های پیشین بسیاری از عالمان از حرکت ماه و خورشید چنین تصویری داشته اند ولی اکنون بطلان آن روشن است. (آملی، همان: ۳۹۵/۸)

آیه الله خوئی با استناد به همین نکته می نویسد: « برای عدم تعمیم دلیلی جز قیاس حدوث هلال ماه و خروج ماه از محاق به اوقات نمازها، یعنی طلوع و غروب خورشید، وجود ندارد. پس همان طور که طلوع و غروب خورشید در شهرها و افتقهای مختلف تغییر می کند رؤیت هلال ماه نیز مختلف است ». (خویی، همان: ۱۱۷/۲)

نظریه به این که مشهور دلیلی جز این ندارد می نویسد: « این تصور باطل است و مرحله ها دور از واقع است. بلکه اهل خبره بر خلاف آن اتفاق دارند. از این روی هر چند مشهور برای اثبات نظر خود به آن استناد کرده اند ولی هیچ گونه ارتباط و پیوندی بین طلوع و غروب خورشید و حرکت ماه نیست زیرا کروی بودن زمین به طلوع و غروب خورشید و اوقات نماز و عبادات قیاسی است نادرست. (همان: ۱۱۷/۲).

بیشتر علمای اهل سنت نیز به این دلیل استناد کرده اند و آن را مورد بحث و بررسی قرار داده اند. (زحیلی، ۱۴۲۳ق: ۶۰۸/۲)

د) عقل

برخی برای اثبات نظر مشهور به دلیل عقل تمسک جسته اند. به این بیان تردیدی نیست تا ماه رمضان داخل نشود روزه بر مکلفان واجب نمی گردد. تحقق ماه رمضان بستگی به ثبوت رؤیت هلال دارد. صرف دیدن ماه و یا ثبوت آن برای شهرهای دوردست نمی تواند در دیگر جاها و شهرها جریان بیابد و تکلیفی بر دوش مردم آن شهر بگذارد یا بر دارد. این که برخی گفته اند

حکم به رؤیت در همه جا جریان می‌یابد اول کلام است و دلیل می‌خواهد. آقای سید محمد شیرازی در این باره می‌نویسد: «طبق دلیل عقل، تکلیف معلق به چیزی، باید دنبال آن چیز بیاید. پس تکلیف معلق به ورود ماه رمضان و یا شوال ناگزیر باید پس از داخل شدن آنها بیاید. و فرض آن است که تا هنگامی که هلال ماه در افق شهر و دیاری رؤیت نگردد عرفاً ماه در آن جا داخل نشده است. و دیدن ماه در افقهای دیگر [شهرهای دوردست] کفایت نمی‌کند مگر دلیلی داشته باشیم که بر حسب فرض دلیل نداریم». (شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۷/۳۶)

اشکال: ضعف این دلیل روشن است؛ زیرا عقل چنین ملازمه‌ای ندارد. ثبوت اول ماه منحصر به رؤیت نیست. راههای دیگر هم وجود دارد. از جمله شهادت دو گواه عادل، این گونه راهها مطلق اند پس وقتی دوگواه عادل به رؤیت هلال ماه گواهی دادند گرچه شهر محل رؤیت دور باشد اول ماه ثابت شده است. افزون براین همان طور که اشاره کردیم، دلیلی که در رابطه با عدم شمول ثبوت رؤیت ماه به شهرهای دوردست در دست دارند، قیاس بیرون آمدن ماه از محاق، به طلوع و غروب خورشید است که قیاسی است مع الفارق. فقهای عامه نیز به تعبیرهای دیگری به عقل استناد کرده اند. (ناصری، ۱۴۱۳ق: ۵۷/۲ و ۶۰۸)

ه) سیره مسلمانان

از دیرزمان مردمان هر منطقه‌ای بر اساس افق محل خویش روزه می‌گرفته اند یا عید فطر و قربان را برگزار می‌کرده اند. البته گاهی چند نفری از اهل آن شهر ماه را می‌دیدند و گاه به خاطر موانع نمی‌توانسته اند ماه را ببینند ولی در بیرون آن شهر و یا در شهرها و روستاهای مجاور ماه را می‌دیدند و با شهادت آنان حکم به ثبوت رؤیت هلال می‌شده است. پر واضح است که این گواهی‌ها با نبود امکانات و وسائل سریع و بهنگام از شهرهای دور با اختلاف افق بسیار، نبوده است بلکه از شهرها و روستاهایی بوده که عرفاً هم افق نامیده می‌شده اند.

اشکال: اولاً: ثبوت چنین سیره‌ای مسلم نیست. ثانیاً: سیره‌ای حجیت دارد که در روزگار معصومین (ع) بوده باشد و آن بزرگواران ردع نکرده باشند. البته این سخن درست است که در هر منطقه‌ای مسلمانان استهلال می‌کرده اند و مطابق آن عمل می‌کرده، ولی این بدان معنی نیست که حکم به ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دوردست تعمیم نمی‌یابد.

مستند این سیره ظاهراً روایت (کُریب) است که درباره آن به بحث خواهیم پرداخت. اگر

چنین سیره ای بین مسلمانان رواج می داشت و ریشه در صدر اسلام چطور قدمای فقها مانند: محقق حلی، شیخ طوسی، علامه و ... نامی از آن نبرده و به آن استناد نجسته اند. افزون بر این اهل سنت با این که به روایات کرب استدلال جسته اند ولی از چنین سیره ای سخنی به میان نیاورده اند.

و) اجماع

برخی از فقها برای (قول به عدم تعمیم) به اجماع تمسک جسته اند از جمله: مرحوم نراقی، (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۳۹۵/۱۰) و صاحب جواهر. (نجفی، ۱۳۶۷ش: ۳۶۱/۱۶) و سید محسن حکیم (حکیم، همان: ۴۷۰/۸) اشکال:

۱- اجماعی که مرحوم نراقی و دیگران از آن سخن گفته اند اجماع بر عدم تعمیم ثبوت هلال ماه به شهرهای دوردست نیست بلکه اجماع بر ثبوت آن در شهرهای مجاور و نزدیک است. به عبارت دیگر بین فقها در این مطلب بحثی نیست که ثبوت رؤیت هلال در شهری برای دیگر شهرهای نزدیک و مجاور حجیت دارد. بحث در حجیت آن برای شهرهای دوردست است. پس اجماعی در این مسأله وجود ندارد.

۲. از چنین اجماعی هیچ یک از بزرگان چون: شیخ طوسی، (طوسی، ۱۳۳۷ق: ۲۶۸/۱) محقق حلی (حلی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۰/۱-۱۸۱) علامه حلی (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۱۸/۶) و ... سخنی به میان نیاورده اند.

۳. از عبارت علامه در «تذکره» استفاده می شود که برخی از فقهای شیعه نظر به تعمیم داشته اند. (حلی، همان: ۱۲۳/۶)

۴. مرحوم نراقی با این که در مسأله ادعای اجماع کرده نظر به تعمیم دارد. این نشان می دهد که منظور وی از اجماعی که از آن سخن به میان آورده، اجماع بر عدم تعمیم نیست.

ز) شهرت

در آغاز بحث اشاره شد که: مشهور فقهای شیعه بر این نظرنند که ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دوردست گسترش نمی یابد. تقریباً تا زمان علامه اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه بر این نظر بوده اند. شاید برخی از این شهرت بخواهند بر اثبات نظر خود که همانا عدم تعمیم

باشد بهره برند.

اشکال: اولاً: شهرت فتوایی را بیشتر فقهای ما حجت نمی دانند. ثانیاً: باید دید دلایل آنان که به تعمیم باور دارند چیست و دلالت آنها چقدر است؟ و در برابر آن دلایل، شهرت می تواند ملاک عمل قرار گیرد یا خیر؟.

نتیجه

از دلایل قائلین به عدم تعمیم ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دور، می توان نتیجه گرفت که ظاهر آیه شریفه و نیز روایات رؤیت و شهادت دلالتی بر مدعای آنان ندارند. بدون مستند شرعی و دلیل معتبر نمی توان دست از اطلاق روایات کشیده آنها را به شهرهای همجوار و نزدیک انصراف داد. چنانکه خواهیم دید، قائلین به تعمیم نیز به همین اطلاقات تمسک جسته و به آیه شریفه نیز استناد نموده اند.

سیره مسلمانان هم که بدان تمسک جسته اند غیر کافی و ادعایی بیش نیست. روایت کرب هم از نظر سند و هم از نظر دلالت مورد مناقشه است. اجماع هم اگر کسی ادعا کند هم تحقیق و هم حجیت آن روشن نیست. البته شهرت فتوایی بین فقهای شیعه محقق هست. ولی در اعتبار آن بسیاری تردید کرده و آن را حجت نمی دانند. قیاس رؤیت هلال ماه به طلوع و غروب خورشید هم که ظاهراً مهمترین دلیل قائلین به عدم تعمیم است، خالی از اشکال نیست؛ زیرا حرکت ماه، طلوع و غروب آن، با حرکت خورشید، طلوع و غروب آن تفاوت دارد.

۲- عدم اشتراط اتحاد افق

برخی از فقها همچون نراقی در مستند، (نراقی، ۱۳۷۳ش: ۱۳۳/۲) صاحب حدائق، (بحرانی، بی تا: ۲۶۶/۱۳) فیض کاشانی، (کاشانی، ۱۴۰۹ق: ۱۲۰/۱۱) و عده ای از معاصران همانند خویی، تبریزی، صافی و نوری. بهجت، وحید، قول به تعمیم را را پذیرفته اند. (خمینی بنی هاشمی، ۱۳۷۷ش: م ۱۷۳۵؛ خویی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۴۴/۲).

به نظر آنان ثبوت رؤیت هلال ماه در یکی از شهرهای اسلام برای همه شهرها چه دور و چه نزدیک کافی است. در صورتی ثبوت، از راههای معتبر شرعی، می توان آن را به همه شهرهای اسلامی تعمیم داد. آنان می گویند: اگر شهرها و کشورهایی در شب مشترک باشند - و لو این که اول شب یکی، آخر شب دیگری باشد - چنانچه در شهری، اول ماه ثابت شود در شهرهای دیگر - چه دور و چه نزدیک، چه در افق متحد باشند یا نه - نیز ثابت می شود. (خمینی بنی هاشمی،

همان: ۹۶۲/۱) آنان نیز برای اثبات نظر خویش به دلایل و مستندات و مؤیداتی استناد کرده اند که در این قسمت به بررسی آن می پردازیم. مهم ترین ادلة قائلین به عدم اشتراط اتحاد افق، عبارت اند از:

الف) دلیل اعتباری

ماه قمری بر اساس وضعیت حرکت ماه و قرار گرفتن در جایگاهی خاص، در مدار طبیعی آن نسبت به خورشید، آغاز می شود و ماه در نهایت دورش، زیر شعاع خورشید پنهان می گردد. ماه در این حالت که محاق نامیده می شود، در هیچ نقطه زمین دیده نمی شود. بعد از آنکه از محاق خارج شد و قابل رؤیت گشت، یک ماه قمری تمام و ماه قمری دیگر شروع می شود. روشن است که خروج ماه از محاق همان آغاز ماه جدید قمری برای تمام مکان های روی زمین می باشد؛ اگرچه ممکن است ماه به دلیل مانعی خارجی مانند شعاع آفتاب، کروییت زمین و بُعد مسافت یا مسائلی شبیه به آن، در بعضی مکان ها دیده شود و در بعضی دیگر قابل رؤیت نباشد.

این مطلب ارتباطی به خارج نشدن ماه از محاق ندارد، چون بدیهی است که خروج از محاق چندین بار روی نمی دهد. این برخلاف طلوع آفتاب است که با تعدد مکان های مختلف، تعدد پیدا می کند و هر مکانی طلوع آفتاب خاص خود را داراست؛ پس قیاس ماه با مسئله طلوع و غروب ماه، قیاس مع الفارق است، زیرا بحث ماه ربطی به مناطق زمین ندارد و نمی تواند به واسطه تعدد بودن سرزمین ها، طلوع ماه نیز متعدد باشد.

نتیجه این مطلب آن است که رؤیت هلال در یک شهر، اماره قطعی برای خروج ماه از آن وضع خاص است و نشانگر آغاز ماه جدید قمری برای همه مردم زمین است و مخصوص نقطه خاصی که ماه در آن دیده شده، نیست.

مشهور که اتحاد آفاق را شرط می کنند، به خاطر این است گمان می کنند ارتباط خروج ماه از زیر شعاع خورشید با مناطق زمین، مانند ارتباط طلوع و غروب خورشید با مناطق مختلف زمین است؛ اما با توجه به عدم شباهت ماه و خورشید، درمی یابیم گمان مشهور، اشتباه است. لازم به یاد آوری است، در این مطلب فرقی بین کروییت یا مسطح بودن زمین نمی کند.

ب) ظاهرات

ظاهر آیه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه ... ». (بقره: ۱۸۵) گفته اند: (شهود شهر) به دو

چیز محقق می‌گردد: رؤیت و شهادت به رؤیت. چه خود انسان ماه را ببیند و چه از راههای معتبر شرعی همچون: یتنه برای وی رؤیت هلال ثابت گردد. ظاهر آیه شریفه مطلق است. شهود شهر رمضان در هر کجا باشد فرقی نمی‌کند، ماه رمضان است.

علامه در منتهی می‌نویسد: «دلیل ما آن است که در برخی از شهرها با دیدن هلال، ماه رمضان محقق می‌گردد و در شهرهای دیگر که رؤیت نشده با شهادت به رؤیت محقق می‌شود. پس روزه آن روز بر همه واجب است». (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۶) به دلیل فرموده خداوند: «هر کس که این ماه را در یابد باید که در آن روزه بدارد». (بقره: ۱۸۵)

ابن قدامه از فقهای اهل سنت، نیز برای قول به تعمیم به این آیه شریفه استدلال کرده است: «آن گاه که ماه در شهری رؤیت شد، بر مردم تمام شهرها لازم است که آن روز را روزه بگیرند. و این قول لیث و بعضی از اصحاب شافعی است» (ابن قدامه، ۱۴۲۵ق: ۱۲۱/۴) دلیل ما بر این فتوا سخن خداوند تعالی است: «هر کس که این ماه را دریابد، باید که در آن روزه بدارد». (بقره: ۱۸۵).

ایشان بر این نظرند که: (شهدالشهر) به معنای درک ماه و رؤیت هلال است و افزون بر این می‌گویند:

«آیه مطلق است و برای کسی اگر هلال ماه ثابت گردد باید روزه بگیرد چه دور باشد و چه نزدیک». (رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۱۶۲/۲).

به دلالت آیه اشکال شده است. بسیاری از مفسران از جمله: علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۶۳ش: ۲۴/۲) امین الاسلام طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۴۹۵/۲) زمخشری (زمخشری، ۱۴۱۳ق: ۲۲۷/۱) فیض کاشانی (کاشانی، ۱۴۰۲ق: ۲۰۲/۲) صاحب تفسیر نورالثقلین (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۸/۱) و صاحب تفسیر السراج المنیر (شرینی، ۱۴۱۳ق: ۱۲۰/۱) بر این باورند که آیه در مقام بیان حکم مسافر است. (شهد) در آیه شریفه را به معنای (حضر) گرفته‌اند. بنابراین (فمن شهد منکم الشهر) یعنی هر کسی در ماه رمضان حاضر باشد و در سفر نباشد باید روزه بگیرد. افزون بر این در روایاتی که در تفسیر آیه شریفه (شهدالشهر) وارد شده معصوم (ع) (شهدالشهر) را به معنای حضور در ماه رمضان در مقابل مسافرت گرفته است. (حر عاملی، همان: ۱۸۳/۷) علامه نیز در تذکره (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۶) به آیه استدلال می‌کند اما دلالت آن را کافی نمی‌داند. در منتهی به آن استدلال کرده ولی بر رد آن سخنی ندارد.

ج) اطلاق روایات

دومین دلیلی که قائلان به تعمیم به آن تمسک می جویند اطلاق روایات رؤیت، یننه و ... است.

از روایات فراوانی استفاده می شود که از راههای ثبوت هلال بلکه راه اصلی، رؤیت است. هرگاه هلال ماه دیده شود آغاز ماه است و باید روزه گرفت و یا اول شوال است و باید افطار کرد. از جمله این روایات روایت منصور بن حازم از امام صادق (ع) است که فرمود: « صم لرؤية الهلال وأفطر لرؤيته ... ». (حر عاملی، همان: ۱۸۱/۷) با رؤیت هلال روزه بگیر و با رؤیت آن افطار کن.

همین مضمون در روایات دیگری نیز آمده است (سبزواری، ۱۴۳۰ق: ۲۵۴/۱۰) لفظ (رؤیت)، در این روایات مطلق است و هیچ گونه قیدی ندارد و نشان می دهد که دیدن ماه به طور مطلق ملاک صوم و افطار است چه در شهر محل زندگی چه در شهرهای همجوار و نزدیک به آن و چه در شهرهای دور.

رؤیت هلال تنها برای بیننده هلال حجیت و اعتبار ندارد بلکه رؤیت هلال مطلقاً معتبر است به عبارت دیگر گاه ممکن است شخص خاصی ماه را ببیند ولی بر آن کسی آگاهی نیابد و گاه شخصی ماه را ببیند و اشخاص دیگری که به صداقت بیننده اطمینان دارند از قول او به رؤیت هلال مطلع شوند و یا دو نفر عادل هلال ماه را ببینند و نزد حاکم شرع به آن گواهی دهند و ... (سبزواری، همان: ۲۵۶/۱۰)

از اطلاق (رؤیت) در این روایات به دست می آید که همه این اقسام رؤیت اعتبار دارد و همان گونه که رؤیت برای شخص بیننده راهگشاست برای کسانی که از رؤیت آگاهی یابند نیز حجیت دارد. فرقی نمی کند شهری که ماه در آن دیده شده نزدیک و هم افق شهرهایی باشد که دیگران از آن آگاهی یافته اند، یا دور و مختلف الأفق باشند. پس اگر افرادی در خراسان، هلال ماه را دیدند و مسلمانان در هندوستان مثلاً از دیدن آنان مطلع شدند به مقتضای اطلاق این روایات برای همه آنان آغاز ماه ثابت است.

در ذیل چند روایت دیگر که به عنوان دلیل این قول مطرح شده است، نیز اشاره می شود:

- ۱- روایت هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می کند که در مورد کسی که بیست و نه روز، روزه گرفته بود فرمودند: « اگر شاهد عادل داشته باشد که اهل شهر بر اساس رؤیت ماه سی روز، روزه گرفته اند، یک روز را قضا می کند ». (حر عاملی، همان: ۲۶۵/۱۰)

خبر به مقتضای اطلاقش بر این دلالت می‌کند که رؤیت در یک شهر برای دیگر شهرها کافی است، گرچه ماه در آنجا دیده نشود - حتی اگر هیچ مانعی چه ابر و چه غیر آن در کار نباشد - و امام (ع) در روایت ثبوت هلال را مقید به اتحاد افق نفرموده‌اند. (خویی، همان: ۱۲۱/۲).

۲- روایت عبدالرحمان بن ابی‌عبدالله می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره هلال ماه رمضان در صورتی که هوا در بیست و نهم شعبان ابری شود، سؤال کردم؟ فرمودند: «روزه نگیر، مگر اینکه ماه را ببینی و اگر اهل شهر دیگر شهادت دادند که ماه را دیده‌اند در این صورت یک روز قضا کن». (حر عاملی، همان: ۲۵۴/۱۰).

این روایت نیز با توجه به اطلاقش بر کفایت رؤیت در شهر دیگر می‌کند، چه افق آن با شهر فردی که سؤال کرده، متحد باشد یا مختلف. (خویی، همان: ۱۲۱/۲)

۳- روایت اسحاق بن عمار می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره هلال ماه رمضان که در روز بیست و نهم شعبان ابری شود، سؤال کردم؟ حضرت فرمود: آن روز را روزه نگیر، مگر اینکه ماه را ببینی، پس اگر اهل شهر دیگری شهادت دادند که ماه را دیده‌اند، آن روز را قضا کن...». (حر عاملی، همان: ۲۷۹/۱۰)

۴- روایتی از امام (ع) درباره روزی که قضا می‌شود از ماه رمضان سؤال شد؟ فرمود: «قضا نکن، مگر اینکه دو شاهد عادل از تمام نمازگزاران شهادت دهند که چه وقتی اول ماه بوده - و باز فرمود: - روزه نگیر آن روزی را که قضا می‌شود، مگر اینکه تمام اهل شهرها آن را قضا کنند، اگر آن‌ها قضا نمودند، تو هم روزه خود را قضا کن». (حر عاملی، همان: ۱۰، ۲۹۳)

شاهد در این روایت دو جمله است:

۱- فرمایش امام (ع) که فرمود: «دو شاهد از تمام اهل نماز باشد» و جمله دلالت می‌کند بر اینکه حکم اختصاص به شهر خاصی ندارد، بلکه حکمی برای تمام مسلمانان است که در شهرهای مختلف می‌باشند، اعم از اینکه افق آن‌ها با همدیگر متحد باشد یا مختلف، پس هر وقت بینه (دو شاهد عادل) از تمام شهرها قائم شد، برای اهل این شهر هم کفایت می‌کند که روزه را قضا کنند.

۲- شاهد دوم، کلام امام (ع) در روایت است که می‌فرماید: «مگر اینکه اهل شهرها آن روز را قضا کنند».

پس معلوم می‌شود که شهرها با هم فرق نمی‌کنند و تمام شهرها حکمشان یکی است. (خویی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۱/۱)

مؤید این استدلال سه مطلب است:

شاهد اول: در دعای روز عید آمده: « به حق امروز که آن را برای مسلمانان عید قرار داده‌ای» از این جمله معلوم می‌شود که خداوند - با همه اختلافی که در آفاق وجود دارد - یک روز مشخص را که به آن با لفظ «هذا» اشاره می‌شود، عید قرار داده است نه اینکه هر سرزمینی عیدی مخصوص داشته باشد که با عید دیگر سرزمین‌ها فرق کند.

شاهد دوم: آیات شریفه‌ای که در مورد شب قدر وارد شده و اینکه آن شب از هزار ماه بهتر است و در آن «هر امر با حکمت جدا و فیصله داده می‌شود». (دخان: ۴)

از این آیات ظاهر می‌شود که آن شب برای تمام مردمان و جمیع اهل عالم یک شب معین است، نه اینکه هر محلی و مکانی شب قدر خاص خود را داشته باشد غیر از آن شب که برای جای دیگر است.

شاهد سوم: سکوت همه روایات نسبت به اعتبار اتحاد وفق، نیز شاهد دیگری بر عدم اعتبار آن است؛ با جستجو در روایات مشاهده می‌کنیم هیچ روایتی حتی یک روایت ضعیف، متعرض اشتراط اتحاد وفق نشده است؛ لذا فتوای مشهور مستند به روایات نیست بلکه به واسطه قیاس ارتباط خروج ماه از زیر شعاع خورشید با ارتباط طلوع و غروب خورشید است که با توضیحات ارائه شده روشن شد که قیاسشان مع الفارق است.

د) روایات خاصه

از برخی روایات علاوه بر اطلاعاتی که اشاره کردیم استفاده می‌شود: ثبوت هلال محدود به شهرهای نزدیک و هم وفق نیست. بلکه همه شهرهای اسلامی را در بر می‌گیرد از جمله: محمد بن عیسی می‌گوید: « کتب الیه [امام] ابو عمرو و أخبرنی یا مولای الله ربما اشکل علینا هلال شهر رمضان فلانراه و نری السماء لیست فیها علة فیفطر الناس و نفطر معهم، و یقول قوم من الحساب قبلنا انه یری فی تلك الليلة بعینها بمصر و فریقیة و الأندلس فهل یجوز یا مولای ما قال الحساب فی هذا الباب حتی یختلف الفرض (العرض) علی اهل الأمصار فیکون صومهم خلاف صومنا و فطرهم خلاف فطرنا؟ فوقع علیه السلام: لا تصومن الشک افطر لرؤیته و صم لرؤیته ». ابو عمرو به امام (ع) نوشت: سرورم چه بسا برای ما در هلال ماه رمضان مشکل پیش می‌آید و آن را نمی‌بینیم. در حالی که در آسمان هم مانعی از رؤیت هلال وجود ندارد. مردم افطار می‌کنند ما نیز با آنان افطار می‌کنیم. و گروهی از منجمان پیش بینی کرده اند که آن شب ماه در مصر و

آفریقا و اندلس دیده می‌شود. آیا بر ما رواست که از اهل حساب پیروی کنیم؟ تا این که در شهرهای گوناگون روزه تفاوت کند؟ و در نتیجه روزه آن شهرها خلاف روزه ما باشد و فطر آنان با فطر ما فرق کند؟ امام (ع) در پاسخ نوشت: روزی که شک داری روزه نگیر. و صوم و افطارت را با رؤیت انجام بده. (طوسی، ۱۴۱۲ق: ۴/۱۵۹؛ کاشانی، همان: ۱۱/۱۲۳)

نهی امام (ع) ابو عمرو را از گرفتن روزه بدان خاطر بوده که وی به گفته منجمان و اهل حساب شک داشته است و این نشان می‌دهد که اگر کسی قطع و یقین داشت که در شهرهای دور ماه رؤیت شده می‌تواند از آنان پیروی کند و او نیز هماهنگ با آنان روزه بگیرد و افطار کند. شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، همان: ۱۳/۲۶۳ و ۲۶۴) و فیض کاشانی (کاشانی، همان: ۱۱/۱۲۳) نیز همین معنی را از روایت فهمیده‌اند.

از مجموع روایاتی که به نمونه‌هایی از آن اشاره کردیم نتیجه می‌گیریم که رؤیت ماه در هر کجا از کشورهای اسلامی رخ دهد گرچه دور یا اختلاف در افق داشته باشند، برای همگان حجّت دارد. زیرا روایات، مطلق ثبوت رؤیت را، چه با دیدن هلال ماه و چه با شهادت به رؤیت حجّت می‌دانند. شهادت به رؤیت نیز مقید به شهرهای نزدیک نیست و همه جا را در بر می‌گیرد.

برخی از فقها بر دلالت این روایات بر نظریه تعمیم اشکال کرده‌اند و گفته‌اند: «اطلاق آنان منصرف به شهرهای نزدیک است؛ زیرا در زمان‌های قدیم معمول بوده که مردم شهرهای نزدیک به دیدار همدیگر می‌رفتند و کم اتفاق می‌افتاد که مردم شهرهای دور به دیدار هم بروند.» شیرازی، همان: ۳۶/۱۹۸. نجفی، همان: ۱۶/۳۶۱؛ اردبیلی، ۱۴۱۲ق: ۵/۱۹۵)

شیخ انصاری نمی‌پذیرد که این روایات شهرهای دور را هم در بر بگیرند: «به حکم غلبه روایات شهرهای نزدیک را شامل می‌شوند. علاوه روایات چنانکه از ظاهر آنها بر می‌آید در مقام بیان (یوم الشک) از رمضان هستند، نه در مقام بیان کاشف و این که آغاز ماه به مجرد دیدن هلال در یکی از شهرها هر چند بسیار دور، حاصل می‌شود. پس همان طور که این روایات در مقام بیان شروط معتبر در بینه نیستند و اطلاق ندارند، همچنین دلالتی ندارند به شرایط معتبر در شهرها از جهت دوری و نزدیکی. بلکه روایات در مقام تبیین تکلیف یوم الشک اند پس از فرض ثبوت کاشف». (انصاری ۱۴۱۳ق: ۲۵۶)

برخی دیگر از فقها در این مسأله نیز همانند شیخ، اظهار نظر کرده‌اند. (آملی، همان:

قائلین به تعمیم از اشکال شیخ و هم فکran او پاسخ داده اند: « اینکه ادعای انصراف روایات به شهرهای نزدیک سخنی است نادرست بویژه در برخی از این روایات تصریح شده: دو گواه به شهر وارد یا از شهر خارج می شوند. همان طور که پیش از این گفته شد این به گونه طبیعی در بر می گیرد شهادت به رؤیت را از غیر شهر ». (مستند عروة، خویی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۰/۲)

از این گذشته روایات در مقام بیان هستند و بدون دلیل معتبر، اطلاق آنها را نمی توان از کار انداخت. در روایت صحیح هاشم، امام (ع)، شهادت را معلق به (شهر) کرده است: « ان كانت له بينة عادلة على اهل مصر » و شهر نکره ای است شایع که تمامی شهرهای اسلامی را در بر می گیرد. تا دلیل یقین آوری در دست نداشته باشیم نمی توانیم آن را به شهرهای نزدیک مقید کنیم. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۹۲/۷)

ه) طریقت رؤیت

رؤیت طریق است نه موضوع، با خروج ماه از محاق و ظهور آن در افق، ماه قمری آغاز می گردد. راههای ثبوت آن همچون: رؤیت شیاع، بینة و ... موضوعیت ندارند بلکه راههایی هستند که آغاز ماه را برای ما محرز می کنند. مکلف هرگاه اول ماه را احراز کرد باید به آن ترتیب اثر بدهد، هر چند در محل سکونت وی رؤیت نشود. بنابراین اگر در شهری در اثر وجود ابر مه غلیظ گرد و غبار و ... امکان رؤیت هلال نباشد ولی اهل شهر از مجاری معتبر اطمینان یابند ماه از محاق بیرون آمده باید ترتیب اثر بدهد.

نظیر این مسأله را فقها، در باب (طلوع فجر صادق) در ذیل آیه شریفه مطرح کرده اند: « کلو و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأیض من الخیط الأسود ؛ بخورید و بیاشامید تا رشته روشن صبحدم، در تاریکی شب آشکار شود. (بقره: ۱۸۷). (تبین) و دیدن با چشم موضوعیت ندارد بلکه آنچه موضوعیت دارد، علم به دمیدن صبح صادق است.

در مسأله رؤیت هلال بسیاری برای عقیده اند که (رؤیت) فی نفسه نه موضوعیت دارد و نه ملاک تکلیف است. ثبوت اول ماه است که تکلیف آور است و موضوعیت دارد.

آیه الله سبزواری می نویسد: « هرگاه واقعاً روشن گردد که ماه از تحت الشعاع خارج شده و در افق ظاهر شده، اول ماه است و حکم شرعی هم به حسب واقع به آن تعلق می گیرد؛ زیرا (رؤیت) مانند دیگر راههای معتبر شرعی، صرفاً راه رسیدن به واقع است و فی نفسه موضوعیت ندارد. و این که می بینیم این نکته در ادله شرعی ذکر نشده و خروج ماه از تحت الشعاع را به

عنوان ملاک ثبوت هلال بیان نکرده اند، بدان جهت می باشد که در ذهن مردمان آن عصر چنین چیزی دور می نموده و بیان چنین راهی برای توده مردم نوعی، احاله به مجهول بوده است و گرنه ملاک اصلی خروج ماه از محاق است. چه افقها متحد باشند و چه مختلف. (سبزواری، ۱۴۳۰ق: ۲۷۳/۱۰)

مؤیدات نظریه دوم

افزون بر دلایلی که برای نظریه تعمیم ثبوت رؤیت هلال به دیگر شهرها اقامه شد مؤیداتی بدین شرح ارائه می شود:

۱. وحدت لیلۃ القدر

از ظاهر آیه شریفه: « لیلۃ القدر خیر من الف شهر ». (قدر: ۲) استفاده کرده اند: شب قدر در همه شهرها، یکی است. در آن شب ارزاق و مقدرات و آجال مردم نوشته می شود: « و فیها یفرق کل امر حکیم امراً من عندنا ». (دخان: ۴-۵) اگر چنین باشد آغاز ماه رمضان هم در همه شهرها، یکی است. اصلاً نمی تواند متعدد باشد؛ زیرا لازمه آن تعدد شب قدر است. حال آن که شب قدر بیش از یک شب نیست.

۲. وحدت عید فطر و قربان

در دعای قنوت نماز عید فطر و قربان می خوانیم: « واسئلك بحق هذا اليوم الذی جعلته للمسلمین عیداً ». (طوسی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۳/۳) از این جمله مأثوره که شیخ طوسی آن را از امام صادق (ع) روایت می کند، روز عید قربان و فطر روز مشخصی است و برای همه مسلمانان عید. واژه (هذا) بیانگر آن است تمام مسلمانان در هر افقی که باشند، آن روز را عید می گیرند و هم زمان با سر دادن ندای وحدت، عظمت شکوه و اقتدار اسلام را تبلور می بخشند. پس لازمه وحدت، عید فطر و قربان یکسانی اول و آخر ماه در همه شهرهای اسلامی است.

مرحوم خوئی می نویسد: « جمله ای که در قنوت نماز عید [فطر و قربان] وارد شده است تأیید می کند آن را [قول به تعمیم] زیرا به روشنی از آن استفاده می شود: آن روز مشخص و واحدی است که به کلمه (هذا) به آن اشاره می گردد و برای همه مسلمانان جهان که در قسمتهای مختلف زمین پراکنده اند با همه اختلاف افقی که دارند عید است نه برای شهر خاصی ».

(خویی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۲/۲؛ سبزواری، ۱۴۳۰ق: ۲۷۶/۱۰)

۳. دعای سمات

در دعای سمات آمده: «و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرءاً واحداً؛ و قراردادی دیدن آن را [ماه] برای همه مردمان یکسان». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۶/۸۷-۱۰۸)

این دعا را علامه مجلسی در بحارالأنوار از امام باقر و امام صادق (ع) روایت کرده و آن را دعایی می‌شمرد در میان اصحاب در نهایت شهرت. از این دعا استفاده می‌شود که دیدن ماه در افقهای مختلف برای همه مردم یکسان است و این می‌تواند قول به تعمیم را تأیید کند؛ زیرا نشان می‌دهد که رؤیت هلال ماه متعدد نیست.

صاحب جواهر با توجه به این نکته می‌نویسد: «و ربما يؤمى الى ذلك ... قوله (ع) فى الدعاء: (و جعلت رؤیتها لجميع الناس مرءاً واحداً؛ چه بسا قول امام (ع) در دعای سمات ... اشاره به همین معنی کند که رؤیت هلال برای همه یکسان است. ظاهراً مراد از یکسان بودن رؤیت ماه برای همه مردم حکم رؤیت است نه خود رؤیت. بدین معنی وقتی در شهری هلال دیده شد برای مردم شهرهای دیگر نیز آغاز ماه است، نه این که همه مردم جهان در یک زمان آن را ببینند. (نجفی، ۱۳۶۷ش: ۳۶۱/۱۶)

۴. سیره پیامبر (ص)

شیخ طوسی در تهذیب تصریح می‌کند روش پیامبر اکرم (ص) در مسأله رؤیت هلال آن بود که وقتی دو شاهد عادل گرچه از شهرهای دیگر خدمت آن حضرت شهادت به رؤیت هلال می‌دادند، حکم به ثبوت ماه می‌فرمود: «و ما ثبت ایضاً من سنة النبى (ص) ... والحکم فیمن شهد بذلك فى مصر من الأمصار ...؛ و از جمله سنتهای پیامبر (ص) آن است که وقتی از شهری از شهرها، در نزد وی شهادت به رؤیت هلال می‌دادند حکم به ثبوت ماه می‌فرمود». (طوسی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۵/۴)

کلمه (فی مصر من الأمصار) مطلق است و نشان می‌دهد که شهادت از شهره ای دیگر مقید به دوری و یا نزدیکی نبوده است بلکه به طور مطلق در هر شهری ثابت گردد کافی است.

۵. مذاق شرع

تأکید شرع بر اهمیت وحدت امت اسلامی و توصیه اکید پیشوایان دینی بر تعظیم شعائر الهی و برگزاری باشکوه و عظمت مراسم عبادی سیاسی نشان می‌دهد که شارع مقدس راضی نیست مسلمانان در امر رؤیت هلال و برگزاری مراسم عید فطر و قربان اختلاف داشته باشند. آیه الله سبزواری می‌نویسد: «مسأله نزدیکی و دوری شهرها که مبنای قول به عدم تعمیم است ضابطه و تعریف مشخصی ندارد و در مورد میزان نزدیکی و دوری شهرها، آراء و نظریه های گوناگونی ابراز شده است». (سبزواری، ۱۴۳۰ق: ۲۷۱/۱۰-۲۷۴)

معتبر نبودن [ثبوت هلال برای همه شهرهای اسلامی] سبب می‌گردد که میان مسلمانان اختلاف و پراکندگی به وجود آید. و شارع مقدس راضی به این نیست. امامان دین (ع) هیچ گاه راضی به تفرقه بین مسلمانان نبوده اند و از این جهت، می‌بینیم که به مسأله تقیه فوق العاده اهمیت می‌داده اند.

۶. حرمت روزه در عید فطر و قربان

روزه گرفتن در روز عید فطر و قربان به اتفاق شیعه و سنی حرام است. بر اساس قول به عدم تعمیم هر کسی به افق محل خویش بخواهد روزه بگیرد و مراسم عید را برگزار کند، لازم می‌آید که در روز واحدی روزه بر عده ای از مسلمانها واجب و بر عده دیگر حرام باشد. ولی بنابر قول به تعمیم چنین مسأله ای پیش نمی‌آید.

۷. پیامدهای قول مشهور

که رؤیت هلال ماه را در هر شهری برای مسلمانان همان شهر و احیاناً شهرها و روستاهای مجاور و نزدیک آن ملاک عمل می‌دانند و قابل تعمیم به دیگر شهرهای دور نمی‌دانند، فروعی را در پی می‌آورد که فقهای چون علامه در تذکره، (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/۶-۱۲۳) صاحب مدارک، (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۳/۶) شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۵۹/۱) و... به آنها اشاره کرده اند مثلاً: شخصی اول ماه در شهری بوده که هلال ماه در آن شهر شب شنبه رؤیت شده است و بعد به شهر دیگری رفته که هلال ماه در آن جا، شب یکشنبه دیده شده است و یا به عکس این شخص بر اساس کدام افق باید رفتار کند؟

شهید اول می‌نویسد: «اگر هلال ماه را در شب جمعه در شهری ببیند و آن گاه به شهر دوری

در جانب شرقی که ماه را در شب شنبه رؤیت کره اند مسافرت کند یا به عکس قول روشن تر و واضح تر آن است که حکم شهر دوم در مورد وی جاری است. پس باید سی و یک روز روزه بدارد و یا در روز بیست و نه افطار کند و عید بگیرد». (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۶/۱)

ب) نظرات فقهای اهل سنت

نفس اختلاف افق یک امر پذیرفته شده نزد همه فقها می باشد و اختلافی در آن نیست، مثلاً گاهی شهر ها آنقدر دورند که در یک شهر هلال ماه دیده می شود ولی در شهر دیگر دیده نمی شود. اختلاف آن در اینست که آیا این اختلاف افق اعتبار شرعی دارد یا خیر؟ یعنی شهر های که از لحاظ افق اتحاد دارند با شهر های که اختلاف افق دارند، در رؤیت و اثبات موضوع و در نهایت اثبات حکم یکی اند یا اتحاد و اختلاف در آنها اعتبار شرعی ندارند. اگر مثلاً در مشرق شب جمعه هلال ماه رؤیت شد و در مغرب شب شنبه رؤیت باید اهل مغرب به آنچه که اهل مشرق عمل می کنند عمل نمایند. به عبارت دیگر اتحاد و اختلاف افق تأثیری در رؤیت ندارد. فقهای اهل سنت در تعمیم ثبوت رؤیت هلال به شهرهای دور، اختلاف دیدگاه دارند: طبق نظر جمهور علماء اهل سنت، اتحاد افق شرط نیست و اتحاد و اختلاف افق دخالتی در روایت ندارد.

اما شافعیه در این مسئله بین خودشان اختلاف نظر دارند. بعضی اتحاد افق را شرط ندانسته می گویند: حکم همه شهرها یکی هستند وقتی هلال ماه در یک مکانی رؤیت شد، این رؤیت شامل همه شهرهای دور و نزدیک می شود. (نوی، ۱۴۲۳ق: ۲۷۲/۶-۲۷۴)

بعضی در شهرهای نزدیک اتحاد افق را شرط ندانسته ولی در شهرهای دور اختلاف افق را شرط دانسته اند. (زحیلی، ۱۴۲۳ق: ۱۶۵۸/۳) ولی در فرق گذاشتن بین شهر های دور و نزدیک اختلاف نموده اند. بعضی قائلند که ملاک دوری، اختلاف در افق می باشد مثل حجاز، عراق و خراسان که اختلاف افق دارند و مثل بغداد و کوفه که اختلاف افق ندارند. اما شهرهای دور با این رؤیت هلال نمی توانند روزه بگیرند به خاطر اختلاف افق. (جزیری، ۱۴۰۶ق: ۳۲۱/۱) ولی بعضی دیگر ملاک دوری و نزدیکی شهر را اندازه مسافت قصر (چهار فرسخ) (زحیلی، ۱۴۲۳ق: ۱۶۵۸/۳) و بعضی معیار آن را ۲۴ فرسخ می دانند. آنها که داخل این رقم هستند مشترک الافق و آنها که بیرون هستند با آنها مشترک نیستند. (مختاری - نعمتی، ۱۳۸۵: ۱۲۱۳/۲) اما آنچه که در بین آنها اهمیت دارد و صحیح تر به نظر می رسد، ملاک دوری و نزدیکی شهرها همان

اختلاف در افق می باشد و اندازه مسافت قصر اهمیتی ندارد. بنابر این دید گاه فقه‌های اهل سنت نسبت به این مسئله به دو نحو می باشد:

۱- اشتراط اتحاد افق

آنان که به عدم تعمیم باور دارند همچون: عکرمه، قاسم، اسحاق و شافعیه، رؤیت را در شهرهای نزدیک، کار ساز می دانند و در شهرهای دور خیر. ابن قدامه در این باره می گوید. شافعیان با این نظر مخالفت کرده اند و گفته اند: « هرگاه رؤیت هلال در جایی اثبات گردد، مردمان شهرهای نزدیک وهم افق با آن باید روزه بگیرند، اما این حکم در مناطق دوردست جاری نیست زیرا افق همه جا یکسان نیست ». اینان به روایت کرب استناد کرده اند و آن را مهم ترین دلیل دانسته اند ». (ابن قدامه، همان: ۷/۳)

نظیر این سخن را قرطبی (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۲/۲۹۵) ابن رشد (ابن رشد، ۱۹۹۵م: ۱/۲۳۱) عبدالرحمان جزیری (جزیری، ۱۴۰۶ق: ۱/۵۵۰) و دیگران نیز گفته اند. با این تفاوت که از عبارت ابن قدامه استفاده می شود: ابوحنیفه نیز مانند شافعیان به عدم تعمیم نظر دارد. برخی، تعمیم را به برخی از شافعیان نسبت داده اند نه همه آنان. استدلال عدم تعمیم: قائلین به عدم تعمیم برای اعتبار اتحاد افق به سنت، قیاس و عقل استدلال نموده اند:

الف) سنت

قائلین این دیدگاه از سنت، به دو حدیث ابن کرب و ابن عمر استدلال نموده اند. روایت کرب در اکثر کتب حدیثی اهل سنت به غیر از صحیح بخاری و سنن ابن ماجه نقل شده است. (شوکانی، ۱۹۹۸م: ۲/۲۵۳)

۱- روایت کرب: ام الفضل دختر حارث، شخصی به نام کرب را برای انجام کاری نزد معاویه به شام فرستاد. پس از ورود وی به شام هلال ماه رمضان در شب جمعه رؤیت شد. مردم شام فردای آن روز را روزه گرفتند. کرب در پایان ماه به مدینه بازگشت. در این هنگام بین ابن عباس و وی درباره رؤیت هلال در شام و مدینه گفتگویی صورت گرفته که کرب چنین گزارش می دهد: « متی رأیتم الهلال؟ فقلت: رأیناه لیلة الجمعة. فقال: أنت رأیته لیلة الجمعة؟ فقلت: رآه الناس و صاموا و صام معاویة قال: لكن رأیناه لیلة السبت، فلا تزال نصوص حتی نکمل ثلاثین

یوماً، أونراه. فقلت: ألا تكتفى برؤية معاوية وصيامه؟ قال: لا. هكذا أمرنا رسول الله». ابن عباس گفت: چه هنگام هلال ماه را [در شام] دید؟ گفتم: شب جمعه. گفت: تو خودت شب جمعه هلال ماه را دیدی؟ گفتم: مردم آن را دیدند و روزه گرفتند و معاویه نیز روزه گرفت. گفت: ولی ما [در مدینه] شب شنبه هلال ماه دیدیم و پیوسته روزه می گیریم تا سی روز تکمیل شود و یا هلال ماه را رؤیت کنیم. گفتم: آیا دیدن معاویه ماه را و نیز روزه گرفتن وی برای شما کافی نیست؟ گفت: نه. پیامبر خدا (ص) این گونه به ما امر کرده است. (ترمذی، ۱۴۲۱ق: ۲۰۷)

از ظاهر روایت استفاده می شود که رؤیت در هر شهری برای مردمان همان شهر حجت است. ثبوت رؤیت ماه در شهرهای دور چون دمشق، نمی تواند ملاک عمل برای مردم مدینه باشد و با استناد این که ماه در شام رؤیت شده است روزه بگیرند و یا نماز عید بگذارند. ۲- روایت ابن عمر: ان رسوا الله (ص) قال: «انما الشهر تسع وعشرون، فلا تشوموا حتى تروه، ولا تفطروا حتى تروه، فان غم عليكم فاقدروا له». (شوکانی، همان: ۲۴۹/۲) این حدیث دلالت دارد بر اینکه وجوب صوم مشروط به رؤیت است لکن نه رؤیت هر شخصی بلکه رؤیت بعضی.

ب) قیاس

قیاس اختلاف افق در هلال ماه نسبت به اختلاف افق خورشید در اوقات الصلاة و در نهایت اختلاف حکم ابتداء وجوب الصوم.

ج) عقل

مشروط بودن وجوب الصوم به تولد شهر رمضان و تولد ماه هم با اختلاف شهرها و دوری و نزدیکی آنها مختلف می شود. قدر مسلم این است که، اهل سنت در مسأله رؤیت هلال ماه و جواز تعمیم و یا عدم تعمیم آن به دیگر شهرهای دور رأی واحد ندارند. دکتر وهبه الزحیلی می نویسد: ابن حجر شش قول در مسأله بیان کرده است. (وهبه زحیلی، ۱۴۲۳ق: ج ۶۰۹/۲)

۲- عدم اشتراط اتحاد افق

آنان که به تعمیم عقیده دارند فرقی بین شهرهای دور و نزدیک نمی گذارند و ثبوت آن را برای همه شهرهای اسلامی حجت می دانند. آنان در این زمینه می گویند: « وقتی هلال ماه در یکی از ممالک رؤیت شود، بر مردم سایر ممالک نیز روزه واجب است. در این مسأله فرقی بین شهرهای نزدیک و دور نیست، در صورتی که از راههای معتبر شرعی رؤیت هلال ماه در شهری به اثبات رسد، برای آنان که در شهرهای دور هستند نیز حجیت دارد و موجب روزه است. اختلاف افق در مسأله رؤیت هلال به هیچ وجه تأثیری ندارد. این نظر سه نفر از ائمه اهل سنت است ». (وهبة الزحیلی، ۱۴۲۳ق: ج ۲/۶۰۵ - ۶۱۰۹) قائلین به تعمیم به سنت و قیاس استدلال نموده اند:

الف) سنت

از جمله احادیث که آنان استدلال نموده اند حدیث ابی هریره و غیره می باشد: « صوموا لرؤيته و افطروا لرؤيته فان غمّ علیکم فاکملوا عدّة شعبان ثلاثین ». که این روایت را صحیح بخاری و مسلم نیز روایت کرده اند. (شوکانی، همان: ۲/۲۵۰) این روایت دلالت دارد به اینکه وجوب صوم بر همه مسلمین معلق است به مطلق رؤیت و مطلق طبق اطلاقش جاری می شود. بنا بر این رؤیت جماعت یا فرد مقبول الشهادة کفایت می کند.

ب) قیاس

فانهم قاسوا البلدان البعیده عن المدن القریبه من بلدالرؤیه، اذ لافرق و التفرقه تحکّم لاتعتمد علی دلیل. (زحیلی، همان: ۲/۶۰۵ - ۶۱۰۹)

معیار دوری و نزدیکی شهرها

طبق نظریه ی اول، فقها (امامیه و اهل سنت) بر اساس نزدیکی و دوری شهرها فتوا داده اند، ولی مقصود آنان از نزدیکی و دوری چیست، چندان روشن نیست. بلکه ملاک و معیار مشخصی که بتوان به کمک آن شهرهای نزدیک را از شهرهای دور جدا ساخت و نزدیکی و دوری سرزمینها را از یکدیگر متمایز نمود ظاهراً وجود ندارد.

روشن است که معیارهایی مانند تقسیم بندیهای سیاسی کشورها که بر اساس منافع ملی و

ویژگیهای قومی صورت گرفته است مورد نظر نیست. بلکه مقصود معیار و ملاک‌هایی است که شرع می‌پذیرد.

از بررسی در کتابهای فقهی شیعه و اهل سنت و همچنین بررسی آرای فقهای دو مذهب در این مسأله، می‌توان به تعریفهای پراکنده ای دست یافت.

الف) اختلاف در طلوع و غروب خورشید

هر جا دو شهر از نظر طلوع و غروب خورشید متحد و همزمان باشد، آنها را شهرهای نزدیک به یکدیگر (بلاد متقاربه) می‌گویند و هر جا که اختلاف در طلوع و غروب داشته باشند به آنها شهرهای دور از یکدیگر (بلاد متباعده) اطلاق می‌کنند. این ملاک را فقهای شیعه و سنی تأیید کرده‌اند.

شیخ انصاری در این زمینه می‌نویسد: «مقصود از شهرهای نزدیک آن گونه که از مسالک شهید (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۵۱/۱) و صاحب مدارک عاملی (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۲/۶) استفاده می‌شود، شهرهایی است که اختلافی در طلوع و غروب خورشید نداشته باشند، مانند: بغداد و کوفه و امثال آن». (انصاری، همان: ۲۵۳)

علامه، ضمن تصریح به این که در ملاک دوری و نزدیکی و تعیین قاعده مشخص در این مورد بین شافعیان اختلاف است می‌نویسد: «گروهی از آنان [شافعیان] همان میزانی را که ما پذیرفته ایم پذیرفته‌اند. هر جا در طلوع خورشید اختلاف داشته باشند مانند: حجاز و عراق شهرهای دور، و هر جا از جهت افق با هم متحد باشند مثل: بغداد و کوفه شهرهای نزدیک به شمار می‌روند». (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۴/۶).

شهید ثانی، در مسالک (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۵۹/۱) نیز با تفصیل بیشتری همین معیار را بیان کرده است و کرویّت زمین و براهین اعتباری را مبنای آن دانسته است.

بنابراین در این که از جمله معیارهای تشخیص شهرهای نزدیک از دور اتحاد و اختلاف افق آنهاست، بحثی نیست. ولی در خود این معیار و تعریف و تحدید آن نظرات متفاوت است.

به عبارت دیگر کبرای مسأله روشن است که اختلاف طلوع و غروب معیار نزدیکی و دوری شهرهاست. لکن اختلاف و عدم آن را از چه راهی می‌توان به دست آورد، بین اهل نظر اختلاف است. در این زمینه نیز مطالبی را ابراز داشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- فاصله هزار میل: برخی گفته‌اند اختلاف در طلوع و غروب خورشید بر اساس فاصله

یک هزار میل محاسبه می‌گردد. هرگاه بین دو شهر مسافت هزار میل (۱۸۴۸ کیلومتر) باشد بین طلوع و غروب خورشید در آن دو شهر به میزان یک ساعت اختلاف افق است.

محمد ابن حسن حلی (فخرالمحققین) می‌نویسد: «هر شهر غربی که به مقدار یکهزار میل از شهر شرقی دور باشد غروب خورشید در آن جای یک ساعت دیرتر رخ می‌دهد. ما این مطلب را از رصد کردن ماه گرفتگی به دست آوردیم که در شهرهای غربی محل ما [حله در عراق] کمتر و در شهرهای شرقی آن بیشتر است. (حلی، بی‌تا، ج ۱/۲۵۲). نظیر این سخن را برخی از فقهای دیگر نیز گفته‌اند. (آملی، همان: ۳۹۲/۸).

۲- تفاوت در عرض جغرافیایی بین دو شهر به میزان ۱۵ درجه: این معیار را برخی از علمای اهل سنت گفته‌اند. مقصود آن است که اگر فاصله بین دو شهر به قدری باشد که اختلاف عرض جغرافیایی آن دو شهر به میزان پانزده درجه برسد طلوع و غروب در آنها متفاوت است وگرنه، خیر. (آملی، همان: ۳۹۲/۸).

۳- فاصله بین دو شهر به اندازه هشت فرسخ شرعی باشد: به طوری که اگر کمتر از این مقدار باشد طلوع و غروب آن دو شهر فرقی نمی‌کند. اگر این مقدار و بیشتر باشد اختلاف در طلوع و غروب خورشید وجود دارد.

برخی از شافعیان نیز گفته‌اند: هر وقت فاصله بین دو شهر به میزان هشت فرسخ باشد طلوع و غروب خورشید در آنها تفاوت می‌کند. (آملی، همان: ۳۹۲/۸).

برخی معیارهای دیگری را برای تشخیص طلوع و غروب و اختلاف آنها گفته‌اند از قبیل: تساوی و عدم تساوی خطوط طولی و عرضی (زحیلی، ۱۴۲۳ق: ۶۰۵/۲-۶۰۹) و مقدار بیست و چهار فرسخ فاصله (جزیری، همان: ۵۵۰/۱؛ ناصف، همان: ۵۷/۲) مسافت قصر هشتاد و نه کیلومتر (به عقیده برخی از اهل سنت) و مانند آن، که به خاطر طولانی شدن از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

بر این اساس معیارهای تشخیص شهرهای نزدیک از دور تشخیص اختلاف و اتحاد طلوع و غروب خورشید در آنهاست. هر چند در تشخیص آن، نیز نظری واحدی وجود ندارد و فقها به ویژه فقهای اهل سنت مطالب و راههای گوناگونی را ارائه کرده‌اند.

ب) امکان رؤیت با نبود مانع

برخی از فقها، ملاک نزدیکی و دوری را در این دانسته‌اند، که هر جا امکان رؤیت در

صورت نبودن مانع همچون: ابر، گرد و غبار و یا مه غلیظ وجود داشته باشد، آن جا به حکم همان محل رؤیت هلال است و از شهرهای نزدیک به شمار می روند و هر کجا چنین نباشد، یعنی با فرض نبودن مانع باز هم امکان رؤیت ماه نباشد از شهرهای دور به شمار می آیند.

شیخ طوسی در این رابطه می فرماید: «و متی لم یرالهلال فی البلد و رأی خارج البلد علی ما یتناه وجب العمل به اذا کان البلدان الی رأی فیها متقاربة بحیث لو کانت السماء مصحیة والموانع مرتفعة لرأی فی ذلک البلد ایضاً لاتفاق عروضها و تقاربها، مثل بغداد و واسط و بغداد و مصرفان لکل بلد حکم نفسه...» (طوسی، همان: ۲۶۸/۱) از این سخن بر می آید شهرهای نزدیک آن جایی است که اگر آسمان روشن باشد و مانعی نباشد در هر دو مورد ماه رؤیت می شود مانند: بغداد و واسط.

بر اساس این تعریف که شیخ در مبسوط ارائه کرده است ملاک نزدیکی و دوری امکان و یا عدم امکان رؤیت است و ملاکهای همچون، مقدار فاصله اختلاف طول و عرض و مانند آن دخالتی ندارند.

شیخ انصاری مطلبی را در این زمینه به محقق حلی نسبت داده می نویسد: «در هر جا که ماه رؤیت بشود و بدانیم که در صورت نبودن مانع در محل دیگر نیز قابل رؤیت است این دو در حکم یکسانند و اگر فاصله بین آن دو سرزمین به گونه ای باشد که این علم حاصل نشود در این فرض حکم در آن دو یکسان نخواهد بود». (انصاری، همان: ۲۵۴) و می توان قول به تعمیم را پذیرفت.

از فقهای اهل سنت نیز همین معنی نقل شده است. سرخسی می نویسد: «یلزم کل بلد لا یتصور خفاؤه عنهم بلا عارض دون غیرهم؛ سرزمینی که در صورت عدم مانع ماه را ببینند با جایی که ماه رؤیت شده است در حکم یکسانند. (عسقلانی، همان: ۱۲۳/۴).

ج) اختلاف اقالیم و تفاوت مناظر

برخی دیگر از فقها ملاک نزدیک و دوری شهرها را در گوناگونی اقلیمی و اوضاع آب و هوایی جستجو کرده اند. اینان بر این نظرند: اگر شهر یا منطقه ای از نظر اوضاع طبیعی و آب و هوا و مانند آن از قطعات دیگر زمین و منطقه های دیگر متمایز باشد به آن اقلیم و یا مملکت و ولایت می گویند. این مقدار فاصله ملاک دوری و نزدیکی است.

علامه در تذکره این نظر را از برخی از فقهای اهل سنت نقل می کند: «برخی از شافعیان

ملاک دوری و نزدیکی را مقدار مسافتی دانسته اند که باعث تفاوت مناظر طبیعی گردد. بنابراین معیار، گاهی سرزمینی که به حدّ مسافت شرعی برسد، دور است و گاهی کمتر از آن ... و برخی از شافعیان اختلاف و اتحاد اقلیم را ملاک گرفته اند.». (حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۴/۶).

د) منزله و مرحله

در روزگاران گذشته که وسائل نقلیه سریع السیر وجود نداشته مردم به وسیله حیوانات مسافتهای طولانی را می پیموده اند. به همین جهت در فاصله های طولانی بین راه منازل و مکانهایی وجود داشت که مسافران در آنها به استراحت می پرداختند. معمولاً به مسافتی که در یک روز و یا کمتر طی می شده مرحله و منزل می گفته اند. (معین، همان: ۳/۳۹۹۸)

غزالی از فقهای اهل سنت، میزان نزدیکی و دوری شهرها را فاصله بین دو منزل دانسته است: « اگر در شهری ماه رؤیت گردد و در شهر دیگری نشود اگر بین آن دو شهر فاصله ای کمتر از دو مرحله است روزه بر همه آنان واجب و اگر بیشتر است هر کدام از شهرها حکم خاص خویش را دارد و وجوب [روزه] به دیگر شهرها تعمیم نمی یابد. ».

افزون بر آنچه اشاره کردیم برخی از فقها معیارهای دیگری گفته اند مانند: فاصله ۴۸ میل (عسقلانی، همان: ۴/۱۲۳) مسافت قصر، (کاشانی، همان: ۲/۱۲۷) تقارب عرضی، (آملی، همان: ۸/۳۹۲) یک ساعت، (شیرازی، همان: ۳۶/۱۹۵) اختلاف در طلوع و غروب خورشید. ولی آنچه بیشتر در کتابهای فقهی ما، مورد توجه قرار گرفته همان معیار اول و دوم است.

از آنچه در این قسمت گفتیم نتیجه می گیریم که نزدیکی و دوری شهرها که مبنای فتوای بسیاری از فقها قرار دارد قاعده مند نیست و فقها تعریف و تحدید مشخص و دقیقی از آن ارائه نکرده اند. بلکه آرای گوناگونی ابراز داشته اند که در جهات مختلف با هم تفاوت دارند. کمترین فاصله ای که گفته اند هشت فرسخ یا فاصله زمانی ده دقیقه اختلاف طلوع و غروب است و بیشترین فاصله ای که گفته اند یک هزار میل یعنی ۱۸۴۸ کیلومتر است. گرچه این گوناگونی آرا بیشتر در میان فقهای اهل سنت است و فقهای شیعه بیشتر اختلاف در طلوع و غروب خورشید و امکان و عدم امکان رؤیت را ملاک تشخیص گرفته اند. ولی همان طوری قبلاً هم اشاره شد، خود این دو معیار نیز چندان روشن و مشخص نیست و در مورد آن نیز اختلاف است. (کاشانی، همان: ۷/۱۲۱).

نتیجه

- از آنچه تاکنون در مورد رؤیت هلال و اختلاف افق بحث شد نتیجه می گیریم:
۱. در مسأله جواز تعمیم رؤیت هلال به دیگر شهرهای اسلامی بین فقهای اسلام اختلاف است و دو قول عمده در مسأله ابراز شده:
قول مشهور. اعتقاد به ثبوت رؤیت هلال در شهر محل رؤیت و شهرهای مجاور و هم افق نه دیگر شهرها.
قول غیر مشهور. اعتقاد به تعمیم ثبوت رؤیت هلال به تمامی شهرهای اسلامی چه دور و چه نزدیک چه هم افق و چه غیر هم افق.
 ۲. در میان فقهای اهل سنت، نیز اختلاف است. مشهور معتقد به تعمیم (عدم اشتراط اتحاد افق) هستند. ابوحنیفه و برخی از شافعیه همچون مشهور فقهای شیعه نظر دارند.
 ۳. در منابع روایی سخنی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در مورد شهرهای نزدیک و دور و مسأله تعمیم و یا عدم تعمیم رؤیت هلال وجود ندارد. آنچه هست در مورد بیان راههای ثبوت هلال و طرق معتبر شرعی است.
 ۴. نظریه تعمیم در میان فقهای شیعه بیشتر از زمان مرحوم علامه به بعد پیدا شده و در میان معاصرین طرفداران بیشتری پیدا کرده است.
 ۵. مسأله نزدیکی و دوری شهرها که مبنای قول به عدم تعمیم است ضابطه و تعریف مشخصی ندارد و در مورد میزان نزدیکی و دوری شهرها آراء و نظریه های گوناگونی ابراز شده است.
 ۶. برای نظریه مشهور دلایلی اقامه شده که مهمترین آن قیاس طلوع و غروب قمر به طلوع و غروب خورشید و مسأله اختلاف افقهاست. وضعیت تکوینی ماه و حرکت آن با حرکت زمین و طلوع و غروب خورشید تفاوت دارد و قیاس رؤیت هلال به طلوع و غروب خورشید قیاس مع الفارق است.
 ۷. خروج ماه از محاق امر واحدی بیش نیست و تا فاصله ای که اختلاف افق بین شهرها به اندازه ای نباشد که شب و روز با هم فرق کند برای همه با اندک تفاوتی قابل رؤیت و برای همه آن شهرها اول ماه است.
 ۸. طرفداران نظریه عدم تعمیم در میان اهل سنت نیز برای اثبات نظر خویش دلایلی اقامه

کرده اند که مهم ترین آن روایت کرب است که از نظر سند و دلالت نمی شود به آن اعتماد کرد.
۹. طرفداران نظریه تعمیم علاوه بر بهره گیری از وضعیت تکوینی ماه و نیز مسأله وحدت خسوف، به اطلاق روایات و آیه شریفه استدلال کرده اند.

۱۰. افزون بر دلایلی که برای قول به تعمیم اقامه شد به دلایلی تبرعی و مستندات که بر نظریه تعمیم تأکید می کند نیز استناد شده است.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت تفاوتی که در این مسأله بین اهل سنت و شیعه وجود دارد این است که: بیشتر اهل سنت بر این نظرنند که وقتی رؤیت ماه در شهری از شهرهای حوزه اسلامی ثابت شد دیگر شهرها را هم در بر می گیرد چه دور و چه نزدیک، به عبارت دیگر قائل به تعمیم هستند.

بیشتر فقهای شیعه مخصوصاً قدما بر این نظر هستند که ثبوت هلال ماه در شهری، شهرهای دیگر را مخصوصاً شهرهای دور را در بر نمی گیرد و لی نظریه دوم که در واقع از زمان علامه حلی به بعد پیدا شد و گسترش پیدا کرد، قائل به تعمیم شده و اتحاد افق را شرط ندانسته اند. در واقع نظر مشهور فقهای اهل سنت عکس نظر مشهور فقهای شیعه می باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

١. ابن حجر عسقلانى، فتح البارى، فى شرح صحيح البخارى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٦ق
٢. ابن رشد قرطبى، محمد بن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٥م.
٣. ابن قدامة مقدسى، المغنى، دار الحديث، قاهره، ١٤٢٥ق.
٤. اردبيلى (مقدس)، احمد، مجمع الفائدة والبرهان، انتشارات اسلامى قم، ١٤١٢هـ.ق.
٥. انصارى، مرتضى، كتاب الصوم، لجنة تحقيق تراث الشيخ الاعظم، قم، ١٤١٣ق.
٦. انصارى قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٥ق.
٧. آملی، ميرزا محمد تقى، مصباح الهدى، ناشر: مؤلف، تهران، چ. اول، ١٣٨٠ق.
٨. بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، تحقيق: محمد تقى، ايرواني: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم، بى تا.
٩. ترمذى، محمد ابن عيسى، سنن ترمذى، دار احياء التراث العربى، بيروت، چ. اول، ١٤٢١ق.
١٠. جزيرى، عبدالرحمان، الفقه على المذاهب الأربعة، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٦ق.
١١. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشيعه، تحقيق: عبدالرحيم ربانى شيرازى، داراحياء التراث العربى، بيروت، چ. پنجم: ١٤٠٣ق.
١٢. حكيم، سيد محسن، مستمسك عروة الوثقى، ١٣٩٠ق.
١٣. حلى (علامه) حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، موسسه آل البيت (ع)، قم، چاپ اول: ١٤١٥ق.
١٤. حلى (فخرالمحققين)، محمد بن حسن، ايضاح الفوائد فى شرح اشكالات القواعد، اسماعيليان، قم، بى تا.
١٥. حلى (محقق)، جعفر بن حسن، شرايع الاسلام، موسسه اسماعيليان، قم، چ. سوم: ١٤٠٩ق.
١٦. خمينى بنى هاشمى، سيد محمد حسين، توضيح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامى، قم،

۱۳۷۷ش.

۱۷. خویی، سید ابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، منشورات مدرسه دار العلم، المطبعة العلمیه، قم، بی تا.

۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، نشر مدینه العلم، چ. بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.

۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۳۸ش.

۲۰. راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، تحقیق سیداحمد حسینی، کتابخانه آیه الله نجفی، قم، ۱۴۹۷ق.

۲۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۴ق. ۱۳۷۲ه.

۲۲. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دار الفکر المعاصر، دمشق، ۱۴۲۳ق.

۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، نشر ادب الحوزه، قم. ۱۴۱۳ق.

۲۴. سبزواری (محقق)، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، چ. اول، بی تا.

۲۵. سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، دار التفسیر، قم، چ. اول، ۱۴۳۰ق.

۲۶. شربینی، خطیب، تفسیر السراج المنیر، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۳ق.

۲۷. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار، دار الفکر، ۱۹۹۸م.

۲۸. شیرازی، سید محمد، الفقه، دار العلوم، بیروت، چ. دوم، ۱۴۰۹ق.

۲۹. طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳ه. ش.

۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، چ. دوم، ۱۴۰۸ق.

۳۱. طوسی (شیخ) محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۲ق. ۱۹۹۲م.

۳۲. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، مكتبة المرتضوية لأحياء الآثار الجعفرية، قم. ۱۳۳۷ق.

۳۳. طوسی (شیخ) محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.

۳۴. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، چ. دوم، ۱۴۱۷ق.

۳۵. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلاميه، چ. اول، ۱۴۱۷ق.
۳۶. عاملی، سيد محمد بن علی، مدارک الأحكام فى شرح شرايع الإسلام، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۷. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسير نورالثقلين، تحقيق: سيدهاشم رسولی محلاتی، اسماعيليان، قم، ۱۴۱۵ق.
۳۸. فراهیدی، خليل ابن احمد، كتاب العين، انتشارات اسوه، چ. اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، مکتبه الامام الامير المومنين، اصفهان، چ. اول، ۱۴۰۹ق.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسير صافی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۹-۱۴۰۲ق.
۴۱. فیض کاشانی، محمد محسن، محجة البیضاء، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ. سوم، ۱۴۰۳ق.
۴۳. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۴۴. مختاری، رضا - نعمتی، محمد رضا، رؤیت هلال، بوستان قم، ۱۳۸۵ش.
۴۵. معین، محمد، فرهنگ معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چ. چهارم، ۱۳۸۵ش.
۴۶. مفید (شیخ)، محمد بن محمد، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چ. اول، ۱۴۱۳ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر - سبحانی، جعفر، پاسخ به پرسش های مذهبی، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، قم، چ. دوم، ۱۳۸۱ش.
۴۸. ناصف، منصور علی، التاج الجامع للأصول فى احادیث الرسول، داراحیاء التراث العربی بیروت، ۱۴۱۳ق.
۴۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فى شرح شرايع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ش.
۵۰. نراقی، احمد، مستندالشیعة فى احکام الشریعه، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ق.
۵۱. نووی، محی الدین ابن شرف، المجموع شرح المذهب للشیرازی، دارعالم الکتب، ریاض، چ. اول، ۱۴۲۳ق.

